

Research Article

Protecting the Qur'an from Distortion According to the Scholars of the Two Sects Based on the Verse of Memorization

Sedegheh Esfandiyary¹, Mohammad Reza Shayegh^{2*}, Muhammadreza Abuyy³

Abstract

The issue of distorting the Qur'an is one of the discussions which was mentioned at the top (third and fourth century) among Islamic scholars. Fortunately, the general scholars of the sects believe that this heavenly version is safe from any theft; and to prove this fact, they have provided many reasons from the Qur'an, narrations, historical evidence, human experience, etc. In this article, we intend to achieve this truth only from the perspective of the "hifz" verse (Al-Hijr / 9) based on the opinion of Shiite and Sunni commentators. The strong and similar appearance of the text of this Qur'anic verse testifies to the inviolability of the Qur'an from distortion; however, some researchers have said something contrary to this strong appearance and have created room for doubt. There is no doubt. The present research has been done by descriptive-analytical method and using library resources. What is important and key in the verse under discussion is that this seemingly strong verse testifies to the immunity of the Qur'an from distortion, and what has been raised by skepticism and doubt in this sense by a few scholars is all contrary to the appearance of the text. There is no doubt. The present research has been done by descriptive-analytical method and using library resources..

Keywords: Distortion, Deficiency, Scholars of the Two Sects, Protection, Verse of Memorization

1. Phd Student of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Yazd branch, Yazd, Iran

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Yazd University, Yazd, Iran

3. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Islamic Azad University, Yazd Branch, Yazd, Iran

Correspondence Author: Mohammad Reza Shayegh

Email: shayegh.mr@gmail.com

DOI: [10.30495/QSF.2022.679153](https://doi.org/10.30495/QSF.2022.679153)

صیانت قرآن از تحریف از منظر محققان فریقین بر مدار آیه حفظ

صدیقه اسفندیاری^۱، محمدرضا شایق^{۲*}، محمدرضا ابوبئی^۳

چکیده

موضوع تحریف قرآن از جمله مباحثی است که در صدر اول (قرن سوم و چهارم) میان عالمان اسلامی مطرح و به نقض و ابرام پیرامون آن سخن گفته‌اند و البته اجماع مرکب بر عدم تحریف به زیاده قائم است و آنچه موضوع خلاف است تحریف به نقیصه می‌باشد. خوشبختانه عموم علمای فریقین بر این باورند که این نسخه آسمانی از هر گونه دستبرد مصون مانده‌است و برای اثبات این حقیقت دلائل فراوانی از قرآن، روایات، گواهی تاریخ، تجربه انسانی و... ارائه نموده‌اند. در این مقال برآنیم تا این حقیقت را صرفاً از منظر آیه حفظ (حجر/۹) از دیدگاه مفسران شیعه و سنی احراز نمائیم. ظاهر قوی و شبیه به نص این کریمه‌ی قرآنی بر مصونیت قرآن از تحریف گواهی می‌دهد، لکن بعضی از محققان سخنی برخلاف این ظاهر قوی گفته و مجالی برای تشکیک ایجاد کرده‌اند. آنچه در آیه مورد بحث، مهم و کلیدی است، این است که این آیه بظاهری قوی شاهد مصونیت قرآن از تحریف است و آنچه از تردید و تشکیک در این معنا از جانب قلبی از محققان ایراد شده همه برخلاف ظاهر نص گونه آیه بوده و در این مقدار تردیدی وجود ندارد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی: تحریف، نقیصه، زیاده، فرقه، صیانت، آیه حفظ

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران

۲. استادیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه یزد، یزد، ایران

۳. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

نویسنده مسئول: محمدرضا شایق ایمیل: shayegh.mr@gmail.com

DOI: 10.30495/QSF.2022.679153

مقدمه و بیان مسئله

ظاهر شبیه به نص آیه حفظ ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر / ۹) «بی تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم و قطعاً نگهدارنده آن خواهیم بود». گواه تضمین محکم الهی بر حفظ قرآن کریم است و قاطبه مفسران و محققان نیز به این حقیقت پای فشرده‌اند، لکن بعضی از اهل نظر احتمال ترجمانی متفاوت از ظاهر را نیز داده‌اند، مثلاً عده‌ای مراد از حفظ قرآن را، حفظ آن در لوح محفوظ دانسته‌اند نه حفظ در این جهان و بعد از نزول و عده‌ای دیگر ضمیر در «له» را به رسول خدا (ص) بازگردانده‌اند؛ با این دو ترجمه این آیه ربطی به عدم امکان تحریف قرآن نخواهد داشت. از باب تمهید برای ورود به مطلب باید یادآور شد که کلیدی‌ترین موضوع برای مشروعیت استنباط از قرآن کریم حجیت ظواهر آن است. بدون اثبات این مهم راه حجیت قرآن مسدود می‌گردد (همان‌طور که در عقاید اخباری‌های امامیه به چشم می‌خورد). به عبارت دیگر تا ظواهر قرآن را حجت ندانیم استدلال به قرآن کریم در مجالهای مختلف مثل فقه و کلام ممکن نخواهد بود.

مبنای حجیت ظواهر نیز بنا و روش عقلا، بما هم عقلاء در محاورات عرفی آنهاست. به این صورت که عقلاء در محاورات عرفی خود ظواهر کلام یکدیگر را حجت دانسته بدان احتجاج می‌کنند و احتمال خطا و سهو و غفلت را منتفی می‌دانند و نیز شارع از جمله عقلا بلکه رئیس آنهاست و طبعاً او نیز روشی جز این در تخاطب با آنان ندارد لاجرم این روش را امضا نموده، خود بدان، سیر می‌کند. همان‌طور که در کتاب مجیدش می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِبَلْسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ﴾ (ابراهیم/۴)

با این تفصیل ظواهر قرآن حجت است مگر اینکه قرینه صارفه محکمی برخلاف ظهور آیه‌ای وجود داشته باشد که آن را از ظهورش گردانده معنای دیگری را برساند همان‌طور که حجت قطعی بر عدم حجیت ظواهر کریمه‌ی «..خلقت بیدی..» که گواه دست داشتن خداست وجود دارد و آن عبارت از دلیل قطعی بر عدم نیاز او به دست و استحالهء تجزّی ذات مقدسش و تنزه او از ترکیب می‌باشد.

و حال جای این سوال است که صیانت قرآن از تحریف از منظر محققان فریقین بر مدار آیه حفظ چیست؟

پیشینه تحقیق

موضوع بررسی تحریف قرآن و صیانت از آن، مسأله‌ای است که به درازای تاریخ قرآن کریم مورد نقد و بررسی عالمان اسلامی قرار گرفته است.

طی کاوش‌های که محقق انجام داده است پیشینه علمی حاضر در سه بخش کتاب و پایان نامه و مقاله مورد جستجو و بررسی قرار گرفت. در زمینه کتاب هیچ اثر مستقلی درباره موضوع نوشته نشده است. هر چند درباره تحریف به‌طور فراوان کتاب‌های زیادی نوشته شده است که به چند دسته تقسیم می‌شوند.

- ۱- کتاب‌هایی که مستقلاً پیرامون تحریف یا عدم تحریف قرآن نوشته شده‌اند که شامل ۵۴ عنوان است.
 - ۲- کتاب‌های علوم قرآنی که حاوی بحث پیرامون تحریف یا عدم تحریف است که شامل ۳۵ عنوان می‌باشد.
 - ۳- کتب تفسیری که مقدمه آنها حاوی بحث پیرامون تحریف یا عدم تحریف است که شامل ۱۵ عنوان می‌باشد.
 - ۴- کتاب‌هایی که در موضوعات مختلف که حاوی بحث پیرامون تحریف یا عدم تحریف است که شامل ۲۱ عنوان می‌باشد.
 - ۵- مقالاتی که در این باب در مطبوعات مختلف به چاپ رسیده است که شامل ۴۱ مورد می‌باشد. در زمینه پایان نامه نیز با مراجعه به سایت‌های (ایران داک، ایسکا، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم) پایان‌نامه‌ای که مستقلاً به این موضوع پرداخته باشد، یافت نشد. البته پایان‌نامه‌هایی که مرتبط با این موضوع بود. از جمله بررسی دیدگاه علمای شیعه قائل به تحریف قرآن کریم نسبت به ادله عدم تحریف، بررسی تطبیقی آیات دال بر صیانت قرآن از تحریف و معصومین (ع) و صیانت قرآن از تحریف وجود داشت. در ذیل برخی از کتاب‌های که مستقلاً پیرامون تحریف یا عدم تحریف قرآن نوشته شده‌اند، ذکر می‌گردد.
- حاج شیخ عبد الرحیم المدرس الماهر التبریزی الخیابانی در کتاب خود با عنوان «الاء الرحیم فی الرد علی تحریف القرآن»، - محمود بن ابی القاسم الطهرانی در کتاب خود با عنوان «کشف الارتیاب عن تحریف کتاب رب الارباب» به تحلیل و ردّ کتاب فصل الخطاب مرحوم محدث نوری، احسان الهی ظهیر (۱۴۰۳ ق) در کتاب خود با عنوان التشیع و القرآن، رسول جعفریان (۱۴۱۳ ق) در کتاب خود با عنوان «اکذوبه تحریف القرآن بین الشیعه و السنه» علی احمد ناصح، فاطمه حسینی در مقاله ایی با عنوان تاریخ احتمال قرآن به بررسی تحریف و عدم تحریف در قرآن پرداخته اند.

مفسران و محققان امامیه

همان طور که بیان گردید قاطبه عالمان امامی به مصونیت قرآن از تحریف باور دارند. و افرادی که در برابر این اتفاق عظیم ظاهر شده‌اند آنچنان قلیلند که لطمه‌ای به این اتفاق مبارک در مورد قرآن وارد نمی‌کند. اعاضلم و بزرگانی که قدیماً و حدیثاً برصون قرآن از تحریف پای فشرده‌اند، بسیاریند. از جمله: شیخ الطائفه ابو جعفر طوسی، مرحوم طبرسی، شیخ ابوالفتوح رازی، فیض، علامه طباطبایی، سید محمدحسین فضل‌الله، مکارم شیرازی، سید مرتضی رضوی، حاج شیخ عبد الرحیم المدرس الماهر التبریزی الخیابانی، رسول جعفریان، باقر شریف القرشی، آیت الله لطف‌الله صافی گلپایگانی، علامه عسکری، علامه جعفر مرتضی عاملی، آیت الله معرفت، نجارزادگان، علامه حسن زاده آملی

، آیت الله جوادی آملی، آیت الله خوئی و ... می باشد. در اینجا با توجه به ضیق مجال، به بعضی از این آراء اشاره و نیز بعضی ترجمان های خلاف ظاهر آیه را آورده مورد نقد قرار می دهیم.

شیخ ابو جعفر طوسی (م-۵۴)

وی از علمای کم نظیر شیعه در اواخر قرن چهارم و شاگرد سید مرتضی علم الهدی و موسس حوزه علمیه نجف است. احاطه کم نظیر او بر منابع فقه و کلام شیعه امامیه مشهور و زبانزد است. وی در کتاب تبیان می گوید: مراد از ذکر در آیه ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ﴾ قرآن است و «الحافظون» یعنی محفوظ بودن آن از افزایش یا کاهش در آن است، چنانکه آیه ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ (فصلت/۴۲) نظیر آن است. مدت و زمان این حفاظت هم بنا بر قول حسن تا روز قیامت یعنی قیام حضرت مهدی (عج) است. (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۳۲۰)

آنگاه ایشان اشاره به ترجمه ای می کند که رجوع ضمیر در «له» در آیه را به رسول خدا (ص) می داند. چنان که گویا مراد آیه چنین است که ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَمَحْمَدٌ لِحَافِظُونَ﴾ (همان) . لکن همان طور که در مقدمه ذکر شد اولین و بارزترین اشکال این ترجمه مخالفت آن با ظاهر قوی آیه است. ترجمان بر خلاف ظاهر آیات بدون دلیل و قرائن محکم به نوعی اخلال در نظام تدبیر در قرآن و استنباط از آن است. همان طور که اگر قرار باشد بی دلیل قیام را قعود، جرح را دوا و حرب را سلم و مسح را غسل معنا کنیم جرح و مرج بر نظام استنباط بر قرآن حاکم و باب تفسیر به رأی باز می شود. همین طور در ترجمان عبارات نیز آوردن غیر از آنچه ظاهر بدان شهادت می دهد چنین نتیجه سوئی را در بر خواهد داشت. لذا نه جمودی مثل ظاهرینها که مطلق ظاهر را حجت می شمارند و نه جراتی چنین که هر مخالف ظاهری را به عنوان معنای آیه بپذیریم هیچکدام سزاوار و درست نیست.

امین الاسلام طبرسی

وی که از محققان و مفسرین بزرگ شیعه و صاحب دو کتاب ارزشمند مجمع البیان و جوامع الجامع در تفسیر بوده بین محققان به امام المفسرین اشتهار یافته است. در تفسیر این آیه می گوید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ﴾ یعنی «ما قرآن را نازل کردیم و آن را از کم و زیاد شدن و تحریف و تغییر حفظ می کنیم، چنانکه وقتی می فرماید: ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ (فصلت/۴۲) یعنی باطلی از پیش و پس بر قرآن راه نمی یابد. و بنا بر قول حسن یعنی خداوند، متکفل حفظ قرآن، در تمام ادوار است و به صورت اصلی خود، همچنان میان امت ها دست به دست می گردد تا روز قیامت، بدین ترتیب مردم از وحی الهی برخوردار می شوند و دعوت پیامبر را گردن می نهند (طبرسی، ۱۳۵۲، ج ۱۷۰: ۱۳).

ایشان در ادامه می گوید: « جایز است که مرجع ضمیر «له» حضرت محمد (ص) باشد یعنی ما

قرآن را فرستاده ایم و حافظ محمد (ص) هستیم. (همان: ۱۷۱)

مضاف به نقدی که بر ترجمان قائل به رجوع ضمیر به محمد (ص) در قسمت قبل شد می گوئیم

در صورت قبول این ترجمه اگر نگوییم نوعی استهجان در معنا پدید می آید ولی بی ربطی و آشفتگی

نظام آن قابل انکار نیست. زیرا معنا ندارد که خداوند سخن از نزول قرآن گفته حفظ محمد(ص) را ذکر کند در حالی که جدای از آیه، نظام سیاق نیز در مورد سخن از قرآن است نه محمد و شخص او. این نوع استعمال حتی در عرف نیز سبک شمرده می‌شود زیرا عرف این تعبیر را مستحسن نمی‌شمارد که کسی بگوید «ما زید را گرامی داشته او را حفظ می‌کنیم» و مراد از «او» در عبارت پدر زید باشد نه خود او و اگر این کلام در عرف سبک شمرده شود چگونه در کلام خدای حکیم و بیانی که معجزه الهی است بکار رود؟

ابو الفتوح رازی

شیخ ابو الفتوح رازی ذیل آیه مورد نظر می‌گوید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ﴾ یعنی ما بییم که این قرآن فرو فرستاده‌ایم نه آنکه شما گمان بردید که بافته و ساخته محمد(ص) یا اساطیر اولین است و ﴿وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ یعنی ما نگهدارنده او بییم از زیادت و نقصان و زوال و بطلان چنان که فرمود: ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ (فصلت: ۴۲/۴۱) (رازی، ۱۳۹۸، ج ۵: ۷۰) وی در ادامه می‌گوید: «و گفتند، مراد آن است ﴿وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ که ما نگاه داریم این قرآن را تا به قیام الساعة، برای آنکه حجت همه مکلفان است تا به قیامت.» (همان: ۵۱)

فیض کاشانی

فیض کاشانی: ذیل آیه مورد نظر می‌گوید: منظور از آیه ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ﴾ آن است که ما قرآن را در رد انکارها و تمسخرهای ایشان فرستادیم و ﴿وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ یعنی قرآن از تحریف و تغییر و زیاده و نقصان محفوظ است. (فیض کاشانی، بی تا، ج ۳: ۱۰۲)

علامه سید محمد حسین طباطبایی

وی در تفسیر المیزان در مورد تحریف ناپذیری قرآن ذیل آیه حفظ می‌نویسد: سیاق صدر آیه حصر است و اشاره به حرف‌های مشرکان دارد که قرآن را هذیان دیوانگی و رسول خدا(ص) را دیوانه می‌گفتند و خواستار نزول فرشتگان بودند تا پیامبر(ص) را تصدیق کرده و قرآن را به عنوان کتاب آسمانی بپذیرند. از این رو معنای آیه این است که این ذکر را تو به وجود نیاوردی تا در نگهداری آن دچار زحمت شوی و از ناحیه فرشتگان هم نیامده است تا در حفظ آن به کمک آن‌ها محتاج باشی بلکه ما خود آن را نازل کرده‌ایم و خود نگهدار آن هستیم. (طباطبایی، بی تا، ج ۱۲: ۱۴۵-۱۴۶) سپس نتیجه می‌گیرد: پس آیه شریفه دلالت بر مصونیت قرآن از تحریف نیز می‌کند، چه تحریف به معنای دستبرد در آن به زیاد کردن و چه به کم کردن و چه به جابه جا نمودن، چون ذکر خدا است و همانطور که خود خدای تعالی الی ابد هست ذکرش نیز هست.

و نظیر آیه مورد بحث در دلالت بر این که کتاب عزیز قرآن همواره به حفظ خدایی محفوظ از هر نوع تحریف و تصرف می‌باشد و این مصونیت به جهت این است که ذکر خدا است؛ آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ (فصلت: ۴۲-۴۱) (همان: ۱۴۷-۱۴۶)

علامه طباطبایی در مبحثی تحت عنوان «قرآن دستخوش تحریف نشده» در هفت فصل دلایل عدم تحریف قرآن را بیان کرده و جوانب موضوع را به خوبی روشن می‌کند. (همان: ۱۹۳-۱۵۰)

رأی مفسران و محققان عامه

قاطبه محققان، خاصه مفسران اهل سنت قائل به مصونیت قرآن کریم از تحریفند: از جمله آنها زمخشری، فخر رازی، بیضاوی، آلوسی، ابن عاشور، و هبه الزحیلی، طبری، حسکانی، شیخ احمد مصطفی مراغی می‌توان ذکر کرد.

چون در این مجال امکان تفصیل بحث نیست اختصاراً آراء آحادی از دانشمندان عامه در مصونیت قرآن را نقل می‌کنیم.

زمخشری

جارالله محمود بن قمر معروف به زمخشری ذیل آیه شریفه حفظ می‌گوید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ ﴿حجر ۶۱﴾ و با این روش تأکید کرد که به طور قطع و یقین او کسی است که ذکر را بر او نازل کرد و نیز او است که جبرئیل را به سوی محمد(ص) فرستاد در حالی که از پیش رو و پشت سر(از همه جهات) مراقب او (ذکر) بود تا نازل شده و ابلاغ شد. و آن را از شر شیاطین و نیز از هر گونه زیاده و نقصان و تحریف و تبدیل در همه زمانها محافظت نمود برخلاف کتابهای پیشینیان که خدای تعالی حفظ آنها را بر عهده نگرفت و علمای نصاری و یهود خود آنها محافظت کردند از این رو در میانشان اختلاف به وجود آمد و کتابشان تحریف شد. (زمخشری، ۱۴۱۴، ج ۵۷۲: ۲)

اما خدای متعال حفظ قرآن کریم را به غیر واگذار ننمود، چگونه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ ﴿حجر ۶۱﴾ که در رد انکار و استهزاء آنها گفته شد به «وإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿حجر ۶۷﴾ ارتباط دارد؟ پاسخ چنین است که: این دلیلی است بر اینکه آنچه از جانب او نازل شده، آیه است چون اگر از طرف بشر بود یا آیه نبود زیاده و نقصان بر او راه پیدا می‌کرد، همچنان که در هر کلامی چنین می‌شود، و گفته شده ضمیر در «له» به رسول (ص) برمی‌گردد مانند سخن خدا آنجا که می‌فرماید: «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ ﴿مائده ۶۷﴾

اینکه گفته محافظت از عهدین به عهده خود یهود و نصاری بوده و بدین سبب تحریف شده سخنی است که شاهی از قرآن و حدیث ندارد؛ بلکه آنها نیز کلام خدایند و حفظ آنها مثل قرآن به عهده خداست؛ و جریان تحریف این کتب نیز منافاتی با این ادعا ندارد زیرا آن چه تحریف شده تورات و انجیل نیست و آنچه به عنوان تورات و انجیل واقعی است وجود دارد و نزد حجت خداست و تحریف نشده است همان طور که در بیانات معصومان و دعاها آمده است مثل «وَعِنْدَهُ مَا نَزَّلَتْ بِهِ رُسُلُهُ» که اشاره به موجودیت کتب سماوی نزد ائمه هدی «علیهم السلام» است.

فخر رازی

فخررازی که از اعظم مفسران عامه و صاحب آراء بدیع در تفسیر قرآن است در خصوص دلالت آیه حفظ بر عدم تحریف می گوید: مسئله اول در مورد آیه شریفه مذکور که چون مردم شنیدند که پیامبر(ص) می فرمود: همانا خدای تعالی ذکر را بر من نازل کرد: گفتند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ﴾ (حجر/۶) « یعنی ای کسی که ذکر بر او نازل شد » و از این رو خداوند متعال در این آیه فرمود: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر/۹) « یعنی ما ذکر را نازل کردیم و ما آنرا محافظت می کنیم ». (فخررازی، ج ۱۶: ۱۹)

وی میگوید در مورد اینکه مرجع ضمیر در «لَهُ لِحَافِظُونَ» چیست؟ دو قول (نظر) وجود دارد: «قول اول آن است که مرجع ضمیر کلمه «الذکر» است بدین معنا که ما آن ذکر را از تحریف و زیاده و نقصان حفظ می کنیم و چنان که از آیات دیگر نظیر ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ ۖ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ (فصلت/۴۲) و آیه ﴿وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نسا/۸۲) چنین معنایی استفاده می شود.

اگر گفته شود صحابه به جمع قرآن در مصحف نپرداختند چون خدای تعالی وعده حفظ آن را داده بود و نگرانی بر آنچه خدا آن را حفظ کند وجود ندارد؟ جواب آن است که جمع قرآن توسط صحابه از جمله اسباب حفظ خود خداوند متعال است پس خدا آنچه را ایشان فراهم کردند حفظ می کند.

از سوی دیگر بعضی گفتند: در این آیه دلالت قوی بر امکان اینکه «بسم الله» آیه اول هر سوره باشد وجود دارد، چون خدای تعالی به حفظ قرآن وعده داده است و حفظ معنی نمی دهد مگر زمانی که از زیاده و نقصان مصون باشد چنان که اگر «بسم الله» جزء قرآن نباشد قرآن محفوظ از تغییر و زیاده نخواهد بود و اگر گمان اینکه صحابه در آن افزایش یا کاهش دادند جایز باشد در این صورت خروج قرآن از حجیت مسلم و قطعی خواهد بود (فخر رازی، ج ۱۶: ۱۹)

سپس می گوید: «مرجع ضمیر در «له لحافظون» پیامبر گرامی(ص) است در این صورت معنای آیه چنین می شود؛ «ما حافظ محمد(ص) هستیم»، این قول از فراء نقل شده است. اما احتمال قوی در مورد مرجع ضمیر همان است که «ابن الانباری» گفته که خدا آنچه را که نازل کرده صریح نام نبرده چرا که منزل بر منزل دلالت می کند، همچنان که در جای دیگر فرمود: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ (قدر/۱) چون امر معلومی بود در آیه به آن اشاره نکرد. پس این ضمیر هم به قرآن برمی گردد و نظر برتر هم همین است. «همان ، ۱۶۰»

آنگاه می افزاید که: «بعضی اختلاف کردند اگر مرجع ضمیر در «له» قرآن است چگونه قرآن را حفظ می کند و به عبارت دیگر معنای حفظ قرآن از سوی خدا چیست؟ بعضی گفتند: حفظ خدا یعنی؛ او قرآن را در مقایسه با کلام بشر معجزه قرار داد به طوری که خلق از اینکه هرگونه افزایش و کاهش در آن دهند عاجزند، چون اگر چنین کنند نظم قرآن تغییر خواهد کرد و بر همه عقلامعلوم خواهد شد. بعضی دیگر گفته اند: یعنی خدا قرآن را از اینکه کسی بتواند با آن معارضه کند حفظ می کند و گروهی گفتند: یعنی خدا خلق را از اینکه هر نوع باطل کردن یا فساد در قرآن انجام دهند عاجز کرد به طوری که مقدر کرد جمعی آن را حفظ کنند و آموزش دهند و آن را بین

مردم مشهور نمایند، وعده‌ای گفتند: مراد از حفظ آن است که اگر کسی تلاش کند که در حرف یا نقطه‌ای از قرآن تغییری بدهد هر بجه‌ای خواهد گفت: اشتباه شده و درست آن چنین است. و از اینجا می‌توان فهمید که در هیچ کتابی مانند قرآن به چنین حفظی اجماع نشده چون کتابی نیست مگر آنکه در آن تصحیف و تحریف و تغییر چه کم و چه زیاد رخ داده است و مصون ماندن قرآن از هرگونه تحریف با وجود انگیزه‌های فراوان ملحدان و یهود و نصاری بر ابطال و افساد آن از بزرگترین معجزات است. چنان که خبر خداوند در مورد بقاء و محفوظ ماندن آن از تغییر و تحریف با وجود گذشت نزدیک به ۶۰۰ سال از نزول آن علاوه بر اینکه خبر دادن از غیب است معجزه روشنی است.» (همان، ۱۶۱)

نکته قابل ذکر و مهم این است که علمایی چون فخر رازی بر ضمانت از حفظ قرآن از همه جهات مثل حفظ از کم و زیاد شدن، معارضت منکران و ابطال و افساد در آن را مدنظر قرار داده‌اند؛ اما یکی از مهمترین مصادیق حفظ قرآن را که تحریف معنوی است ذکر نکرده‌اند. آیا به راستی خداوندی که قادر به حفظ قرآن از همه جهات مذکور است حفظ آن از تحریف معنوی (تفسیر به رأی) را تضمین ننموده است؟ در حالی که این همه تفرقه و عداوت و نزاع در عالم اسلام از همین نکته ناشی می‌شود و بس؛ و بی تردید اگر قرآن تحریف معنوی نشده بود بلکه آن طور که مراد خدای متعال بود ترجمه و تفسیر می‌گشت تعدد فرقه‌ها و نزاع و تکفیر و آثار شوم آن در عالم اسلام وجود نداشت و این مجال انکار ندارد. حال عالمان اهل سنت پاسخ دهند که قادر حکیمی که قرآن را برای هدایت بشر فرستاده و ضمانت حفظ آن را داده است؛ چگونه حفظ آن از تحریف معنوی را تضمین ننموده در حالی که بدون این حفظ راه بهره مندی از قرآن مسدود شده و کسانی که با آن گمراه می‌شوند بیش از کسانی خواهند بود که بدان هدایت می‌یابند چه این که حداقل اطراف خلاف دو نفر یا دو گروه است که در این مرتبه نیمی از اختلاف کنندگان گمراهند و اگر اطراف اختلاف بیش از دو نفر یا دو گروه باشند فقط یک گروه برحق بوده باقی (یعنی اکثر) گمراهند. با این تفصیل در صورت اختلاف مسلمین در فهم قرآن حداقل نیمی از آنان یا بیشتر در گمراهیند و بدین صورت تعدادی که به این واسطه گمراه می‌شوند بیش از هدایت‌یافتگانند و در حالی که قرآن برای هدایت مردم نازل شده است. پاسخ ایناشکال چیست؟

ما (امامیه) بر این باوریم که خداوند کتاب مجیدش را از این تحریف نیز مصون داشته و صیانتش را تضمین کرده است، پس اگر آیه به اطلاقش شامل صیانت قرآن از تحریف معنوی نیز می‌گردد. لکن نه به این معنا که تحریف معنوی بنحو موجب جزئیة اتفاق نیفتاده، بلکه به این معنا که خداوند حقیقت قرآن را در سینه پاک اهل بیت پیامبر (ص) بعد از رسولش نهاده است همان طور که خود در کتاب مجیدش از آن خبر داده و فرموده: ﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أَوْثُوا الْعِلْمَ﴾ (عنکبوت/۴۹) و در حدیث متواتر ثقلین نزد فریقین بیان شده که هرگز این دو (قران و عترت) از هم جدا نمی‌شوند و این چه معنایی دارد جز این که حقیقت و معنای قرآن نزد اهل بیت (ع) است و نیز به امت اسلام تا ابد امر فرموده است که ﴿فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ (نسا/۵۹) و بی تردید ردّ به خدا همان رجوع به کتاب الله در مظان اختلاف است و رجوع به کتاب خدا

برای حلّ اختلاف با وجود برداشت‌های متضاد و متخالف نه تنها نزاع راحل نمی‌کند؛ بلکه بر وسعت دامنه آن می‌افزاید، لاجرم این فرمان برای حلّ نزاع ما را به نقیض مقصود می‌رساند و برای رفع این مشکل چه راهی وجود دارد جز این که بپذیریم همیشه در عالم اسلام انسان کاملی از سلاله مکرّم نبی اکرم حضور دارد که عالم به همه حقایق قرآن است و رجوع به رأی او در فهم قرآن همان رجوع به کتاب الله است؟

آری این آیه به اطلاق قوی خود ضامن صیانت قرآن از هرگونه تحریفی است و گو این که عده‌ای از منکراناهل بیت این نکته را به فراست دریافته‌اند که اگر ضمیر در «له» در آیه حفظ به ذکر (قرآن) برگردانند دلالت بر عدم امکان تحریف قرآن کرده صیانت از تحریف معنوی نیز را شامل است و در این صورت با آن چه در عالم اسلام در میدانهرج و مرج تفسیر به رأی و تحریف معنوی اتفاق افتاده همخوانی ندارد لاجرم برای فرار از محذور گفته‌اند ضمیر در «له» به رسول خدا (ص) بر می‌گردد و عده ای از عالمان شیعی نیز از این نظر پیروی کرده‌اند. در حالی که نه تنها هیچ قرینه‌ای این تفسیر را تایید نمی‌کند بلکه مخالف ظاهر شبیه به نص و نیز مخالف سیاق است.

ابوسعید عبدالله بن عمر بیضاوی

وی ذیل آیه مورد نظر می‌گوید: یعنی ما ذکر را در ردّ انکار و تمسخر آنان نازل کردیم و از این جهت با اسلوب تاکید آورده شد و در ادامه فرمود: ﴿وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ یعنی ما آن را از تحریف و زیاده و نقصان حفظ می‌کنیم. از این رو آن را در مقایسه با کلام بشر معجزه قرار دادیم چرا که هر تغییر در نظم آن بر اهل زبان مخفی نمی‌ماند و با ضمانت حفظ آن هر راهی را که به دوام آن خلل وارد کند نفی می‌کند همچنان که هرگونه طعنه و عیبی را در مورد آن نفی می‌کند. (بیضاوی، ۱۳۸۸، ج ۸: ۱۵۳)

جلال الدین سیوطی

جلال الدین سیوطی که از مشاهیر عامه در حدیث و تفسیر علوم قرآن است در تبیین آیه حفظ می‌گوید: ﴿وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ یعنی آنچه نزد ما است محفوظ خواهد ماند، و از قول قتاده می‌گوید: آیه حفظش شبیه آیه ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾ است که منظور از باطل در آن ابلیس است چنان که آیه می‌خواهد بگوید خداوند قرآن را نازل کرد و آن را حفظ نمود و شیطان نمی‌تواند باطلی را به آن اضافه و حقی را از آن کم کند. (سیوطی، ج ۹۴: ۴)

این که گفت مراد از باطل در آیه ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾ ابلیس است دلیلی از خود آیه یا سایر آیات قرآن و روایات ندارد بلکه ظاهراً شباهت این آیه با آیه سوره اعراف باعث خطور این معنا به ذهن سیوطی شده که ابلیس گفت: ﴿ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ ۗ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ﴾ (اعراف ۱۷) لکن واضح است که صرف اشتراک دو آیه در این تعبیر نمی‌تواند دلیل روشنی بر این باشد که مراد از ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ﴾ در آیه مورد بحث بمعنای «لا یاتیه الشیطان» است.

بله قرآن در مرتبه نزول به قدرت قاهر خداوند از شر شیاطین مصون مانده است. همان‌طور که خود فرموده: ﴿وَالصَّافَاتِ صَفًّا ۖ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ۖ فَالَّتَالِيَاتِ ذِكْرُ﴾ (الصافات ۳-۱). در این آیات خبر از همین

نزول قرآن در میان تاملین فرشتگان صف زنده و حفاظت کننده و فرشتگان دفع کننده شیاطین و فرشتگان حامل وحی خبر می‌دهد و خود می‌فرماید: ﴿إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعَزُؤُلُونَ﴾ (شعراء/ ۲۱۲) (آنها (شیاطین) امکان استماع قرآن (در عالم بالا قبل از نزول و احاطه بر آن و استراقش) را ندارند.) اما وقتی قرآن نازل و سپس ابلاغ و در بین مردم خوانده و نوشته شد، مجال، مجال شیاطین انس است که برای تحریف و رخنه دادن باطل در آن همدست شوند و البته هرگز نمی‌توانند.

محمود بن عبدالله آلوسی

آلوسی ذیل آیه شریفه حفظ می‌گوید: «خداوند متعال انکارها و تمسخرهای مخالفان را نسبت به رسول خود با نزول آیه حفظ پاسخ داد و فرمود: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ﴾ یعنی ما کتابی را نازل کردیم که آن و نزول آن رابرتو انکار کردند و در مورد تو چیزی گفتند که بر آن دلیلی نداشتند و ﴿وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ یعنی ما قرآن را از هر نوع عیبی مانند تحریف و زیاده و نقصان محافظت می‌کنیم به گونه‌ای که اگر تغییری در آن صورت گیرد همه حتی یک بجه خواهد فهمید و درست آن را تشخیص خواهد داد، و به قول حسن اشاره می‌کند که منظور از «حفظ» باقی ماندن قرآن تا روز قیامت است.» (آلوسی، ۱۴۰۵ ج ۱۶: ۱۴) آلوسی ذیل آیه شریفه حفظ می‌گوید: «خداوند متعال انکارها و تمسخرهای مخالفان را نسبت به رسول خود با نزول آیه حفظ پاسخ داد و فرمود: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ﴾ یعنی ما کتابی را نازل کردیم که آن و نزول آن رابرتو انکار کردند و در مورد تو چیزی گفتند که بر آن دلیلی نداشتند و ﴿وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ یعنی ما قرآن را از هر نوع عیبی مانند تحریف و زیاده و نقصان محافظت می‌کنیم به گونه‌ای که اگر تغییری در آن صورت گیرد همه حتی یک بجه خواهد فهمید و درست آن را تشخیص خواهد داد، و به قول حسن اشاره می‌کند که منظور از «حفظ» باقی ماندن قرآن تا روز قیامت است.» (آلوسی، ۱۴۰۵ ج ۱۶: ۱۴)

نتیجه‌گیری

نکته اول اینکه توجه به اهمیت ظهور قرآن در فهم مراد حقیقی آیات بسیار مهم است جرأت بر تاویلات بی‌دلیل و مخالف ظاهر سبب تزلزل در اعتماد به حقایق روشن و ظاهری قرآن و محرومیت از سطحی‌ترین برکات کرائم آن یعنی ظواهر آن‌ها شده به جای آنکه قرآن کریم موجب رفع نزاع گردد، همان‌طور که ذات اقدس حق فرموده: ﴿فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ﴾ (نسا/ ۵۹) و رد به خدا برده به کتاب الله است و بلعکس موجب گسترش دامنه اختلاف خواهد شد. حق این است که مفسر مادام که دلیلی قوی نیافته که مجوز رفع ید از ظاهر آیه گردد نباید برای خود حق عدول از ظاهر آیه را قائل باشد.

از جمله آیات صریح و بی‌غباری که دلالت واضح بر مصونیت قرآن از تحریف دارد و دلایل فراوان دیگر از قرآن و روایات آن را تایید می‌کنند آیه مورد بحث (آیه حفظ) است که در مورد آن سخن گفتیم و معلوم شد که آنچه از شبهه در دلالت این آیه بر مصونیت قرآن از تحریف عارض شده ناشی از گمانه‌زنی بی‌دلیل از سوی بعضی از اهل نظر در تخلف از ظاهر آیه است.

نکته دیگر اینکه عده‌ای این شبهه را القا نموده‌اند که دفاع از مصونیت قرآن از تحریف با استفاده از آیات قرآن مصادره بر مطلوب و قرار دادن نفس مدعا به جای دلیل و به عبارت دیگر دور واضح است. زیرا مدعی تحریف می‌گوید چگونه می‌خواهید از قرآن که خود مظنون به تحریف است برای اثبات عدم تحریف آن دلیل بیاورید.

جواب شبهه روشن است زیرا این اشکال بر فائز به تحریف به زیاده وارد است در حالی که به اجماع امت اسلام حتییک کلمه به قرآن افزوده نشده است و با احتمال تحریف به نقیضه اشکال فوق وارد نیست؛ مگر بنحو موجب جزئیته مثل برخی از احکام شرعی که از عمومات یا مطلقات قرآن به دست می‌آید و احتمال می‌رود که قید مطلق یا مخصص حکم عام از قرآن حذف شده باشد. در این صورت این حکم عام یا مطلق برای قائل به تحریف به نقیضه حجیت نخواهد داشت، لکن آیاتی از سنخ آیه حفظ به هیچ وجه در مظان تخصیصیا تقیید احتمالی نیستند تا این احتمال موجب سقوط آنها از حجیت گردد و ظاهرا آنها بر هر دو گروه حجت است و با این وصف استدلال به آن تمام می‌باشد.

کتابنامه

قرآن کریم

آلوسی، شهاب الدین محمد بن عبدالله. ۱۴۰۵/۱۹۸۵م، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی** ، الطبعة الرابعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی .

ابن عاشور، محمد بن طاهر. بی تا ، **التحریر و التنویر** ، ج ۱۳، بی تا.

بلاغی، محمد جواد. ۱۴۲۰ق، **آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن** ، تحقیق از قسم الدراسات الاسلامیه، ج ۱، قم: موسسه البعثه، الطبعة الاولى.

بیضاوی، ناصر الدین ابی الخیر عبدالله بن عمر . ۱۳۸۸/۱۹۶۸م، **انوار التنزیل و اسرار التاویل**، ج ۱، مصر: بی تا، الطبعة الثانية.

تبریزی خیابانی، عبدالرحیم مدرس ماهر. بی تا، **آلاء الرحیم فی الرد علی تحریف قرآن**، تهران: مکتبه الاسلام. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال. ۱۳۹۵، **الغارات**، محقق (جلال الدین محدث). چاپ اول، ج ۱، تهران: انجمن آثار ملی.

جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۳، **نزهت قرآن از تحریف**، تحقیق (علی نصیری)، چاپ اول، قم: نشر اسراء.

جعفریان، رسول. ۱۳۶۷ه. ش، **افسانه تحریف قرآن**، ترجمه (محمود شریفی). چاپ اول، تهران: معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی.

_____ ۱۴۱۳ق، **اکذوبه تحریف قرآن بین الشیعه و السنه**، مترجم (محمود شریفی). تهران: امیرکبیر.

حنبل، احمد بن حنبل. بی تا، **مسند**؛ ج ۱۳، بیروت: دارصاد.

حسن زاده آملی، حسن. ۱۳۷۶ش، **قرآن هرگز تحریف نشده**، ترجمه (عبدالعلی شاهرودی). قم: انتشارات قیام.

- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله. بی تا، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الایات النازلہ فی اهل بیت (ص)، محقق (محمد باقر محمودی). تهران: وزارتہ الثقافہ و الارشاد الاسلامی موسسہ الطبع و نشر.
- خوئی، سید ابوالقاسم. ۱۳۹۴. ق، **البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: موسسہ الاعلمی للمطبوعات.
- صافی، لطف الله. ۱۴۱۲. ق، **القرآن مصون عن التحریف**، قم: دارالقرآن الکریم.
- رازی، فخر . بی تا، **التفسیر الکبیر**، ج ۱۹، بی جا، الطبعة الثالثه ،
- رازی، حسن بن علی ابوالفتوح. ۱۳۹۸. ق، **روض الجنان و روح الجنان**، تصحیح: میرزا ابوالحسن شعرانی. تصحیح: علی اکبر غفاری. ج ۷، تهران: کتابفروشی اسلامیہ.
- رضوی، سید مرتضی. ۱۴۱۱، **آراء علماء المسلمین فی التقیہ و الصحابہو صیانه القرآن الکریم**، بیروت: الارشاد.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر. ۱۴۱۴. ق، **الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقوابیل فی وجوه التاویل**، ج ۲، قم: مکتب الاعلام الاسلامی الطبعة الاولى.
- زحیلی، وهبه. ۱۴۱۱/۱۹۹۱م، **التفسیر المنیر فی العقیدہ و الشریعہ و المنہج**، ج ۱۴، بیروت: دارالفکر المعاصر ، الطبعة الاولى.
- سیوطی، جلال الدین. ۱۴۰۴. ق، **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، ج ۱ و ۴، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی. طباطبائی، محمد حسین. بی تا، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن. اردیبهشت ۱۳۵۲، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ترجمه: احمد بهشتی، چاپ اول، ج ۱۳، تهران: فراهانی.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر بی تا، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن. ۱۴۰۹. ق، **التبیین فی تفسیر القرآن**، ج ۶، قم: مکتب الاعلام الاسلامی الطبعة الاولى.
- ۱۴۱۱، **کتاب الغیبہ**، محقق (شیخ عباد الله طهرانی). ج ۱، بی جا: موسسہ معارف اسلامیه.
- عاملی، جعفر مرتضی. ۱۴۱۰. ق، **حقایق هامه حول القرآن الکریم**، قم: موسسہ نشر الاسلامی، الطبعة الاولى.
- علامه عسکری، سید مرتضی. ۱۴۱۵. ق، **القرآن الکریم و روایات المدرسین**، چاپ اول، بیروت: شرکه التوحید للنشر. فیض کاشانی، محمد محسن. بی تا، **الصافی**، ج ۳، مشهد: دارالمرتضی، الطبعة الاولى.
- فضل الله، محمد الحسین. ۱۴۱۹/۱۹۹۸م، **من وحی القرآن**، ج ۱۳، بیروت: دارالملاک الطبعة الثانيه.
- قمی، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه. ۱۳۶۱. ش، **معانی الاخبار**، تصحیح: علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم.
- قرشی، باقر شریف. ۱۴۱۸. ق، **سلامه القرآن من التحریف**، قم: بی تا.
- قرطبی انصاری ، محمد بن احمد. ۱۴۰۵/۱۹۸۵م، **الجامع لاحکام القرآن** ، ج ۱۰، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- کلینی، یعقوب بن اسحاق. ۱۳۶۳، **الاصول من الکافی**، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مراغی، احمد مصطفی. بی تا، **تفسیر مراغی**، بیروت-لبنان: دارالفکر.

مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نویسندگان، ناصر. ۱۳۶۲. تفسیر نمونه، چاپ چهارم، ج ۱۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

معرفت، محمد هادی. ۱۳۷۶، مصونیت قرآن از تحریف، ترجمه (محمد شهرامی)، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی. مشهدی، شیخ ابوعبدالله. ۱۴۱۹ ه. ق. المزار الکبیر، محقق (جواد قیومی اصفهانی)، ج ۱، بی جا: نشر قیوم، موسسه نشر الاسلامی.

نجاززادگان، فتح الله. ۱۳۸۷، تحریف ناپذیری قرآن، چاپ دوم، تهران: نشر مشعر.

ناصح، علی احمد، حسینی، فاطمه. ۱۳۹۶، تاریخ احتمال تحریف قرآن، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۸، شماره ۲۹، صفحه ۱۳۹-۱۵۵

هندی، علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین. ۱۴۰۹/۱۹۸۹ م. کنز العمال فی سنن الاقوالی و الافعال ج ۱، بیروت: الرساله.

The Holy Quran

Alusi, Shahabuddin Muhammad bin Abdullah; The spirit of meanings in the interpretation of the great Qur'an and the seventh verse Beirut: Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi, Al-Raba'a Press, 1985 AD.

Ibn Ashur, Muhammad ibn Tahir; Tahrir and Enlightenment; Vol. 13

Communicate, Mohammed Jawad; Alaa Al-Rahman in the interpretation of the Qur'an; Verification of Islamic Studies Department, Part 1, Qom: The Mission Foundation, First Edition, 1999

.Baydaoui, Nasir al-Din Abu al-Khair Abdullah bin Omar; Download lights and Tawil secrets; C1, Egypt: Pina, 2nd edition, 1968AD.

Tabrizi Khayabani, Abdul Rahim, a skilled teacher; Alaa Al-Rahim in response to distortions of the Qur'an; Tehran: Islam Library

Saghafi, Ibrahim Ibn Muhammad Ibn Saeed Ibn Hilal; Al-Gharat; Mohaqiq (Jalaluddin Muhaddith), First Edition, Volume 1, Tehran: National Works Association, 2016.

Jawadi Amali, Abdullah; Nezat Qur'an As Distortion; Iqiq (Ali Nasiri), Aawal, Qom: Nasrasraa, 2004.

Jafarian, Rasool; The Legend of Quran Distortion; Translation (Mahmoud Sharifi), First Edition, Tehran: Cultural Deputy of the Islamic Propaganda Organization, 1988.

;-----The lie of distorting the Qur'an between Shiites and Sunnis; Translator (Mahmoud Sharifi), Tehran: Amirkabir, 1992.

Hanbal, Ahmad Ibn Hanbal; Musnad; C 13, Beirut: Darsad

Hassanzadeh Amoli, Hassan; The Qur'an has never been distorted; translation (Abdul Ali Shahroudi) Qom: Qayam Publications, 1997.

Hasakani, Abdullah bin Abdullah; Evidence for the transcendence of the rules of preference in the verses revealed in the people of the House (PBUH); Mohaqiq (Muhammad Baqarm Mahmoudi), Tehran: The Ministry of Culture and Islamic Guidance Institution of Printing and Publishing

Khoei, Seyed Abolghasem; Al-Bayyan Fi Tafsir Al-Quran; Beirut: Al-A'jami Institute for Publications, 2015

Pure, kindness of God; The Qur'an is protected from distortion. Qom: The Noble Qur'an House, 1991.

- Razi, Fakhr; The Great Interpretation; C19, 3rd ed
- Razi, Hassan Ibn Ali Abu al-Futuh; Rawd al-Jannan and Ruh al-Jannan; Edited by Mirza Abolhassan Sha'rani, edited by Ali Akbar Ghaffari, vol. 7, Tehran: Islamic Bookstore, 2019.
- Radawi, Sayyid Mortada; Views of Muslim scholars on the pious and companions of the maintenance of the noble Qur'an; Beirut: Al-Irshad, 1990.
- Zamakshari, Jarallah Mahmoud bin Omar; Revealing the mysteries of the mysteries of the revelation and the eyes of the gossip in the faces of the verses; C2, Qom: Islamic Media Office, First Edition, 1993
- Zahli and Wehbe; Enlightening interpretation in belief, Sharia, and method; 14, Beirut: The Contemporary Thought House, First Edition, 1991AD.
- Sayuti, Jalaluddin; Al-Durr al-Manthurfi al-Tafsir al-Tafsir with the verses; C1 and 4, stand: The Office of Ayatollah Marashy Najaf, 1983.
- Tabatabai, Mohammad Hussein; Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran; Translation: Mohammad Baqir Mousavi Hamedani, Vol. 12, Qom: Islamic Publications Office,,
- Tabarsi, Abu Ali al-Fadl ibn al-Hassan; Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran; Translation: Ahmad Beheshti, first edition, vol. 13, Tehran: Farahani, May 1973
- Tabari, Abu Ja'far Muhammad bin Jarir; Jami` al-Bayan in the interpretation of the Qur'an; Beirut: Dar al-Maarifah,
- Tusi, Abu Jaafar Muhammad bin Al-Hassan; To clarify the interpretation of the Qur'an; A6, Qom: Islamic Media Office, First Edition, 1988
- Book of the Unseen; Mohaghegh (Sheikh Ebadullah Tehrani), vol. 1, : Institute of Islamic Studies, 1990
- Ameli, Jaafar Mortada; Important facts about the Noble Qur'an; Qom: The Islamic Publishing Foundation, First Edition, 1989.
- Allameh Askari, Seyyed Morteza; The Holy Quran and the narrations of the teachers; first edition, Beirut: Al-Tawhid Publishing House, 1994.
- Faid Kashani, Muhammad Mohsen; Net; C3, Mashhad: Dar Al-Murtada, First Edition
- Fadlallah, Muhammad Al-Hussain; From the inspiration of the Qur'an; C13, Beirut: Dar Al-Malak, second edition, 1998AD
- Qomi, Abu Ja'far Muhammad bin Ali bin Al-Hussein bin Babuyyah; The meanings of the news; Correction: Ali Akbar Ghafari, Qom: An Islamic Book of Spreads and he smeared it with his scientific possession Qom, 1942.
- Qureshi, Baqir Sharif; The Qur'an's safety from distortion, Qom: Baqir Sharif Qureshi, 1997.
- Qurtubi Ansari, Muhammad bin Ahmed; All inclusive of the rulings of the Qur'an; C10, Beirut: Dar Al-Ahya of Arab Heritage, 1985AD.
- Klini, Yaqub bin Ishaq; The principles of Al-Kafi; fifth edition, Tehran: Islamic Library, 1984.
- Maraghi, Ahmad Mustafa; Tafsir Maraghi; Beirut-Lebanon: Dar al-Fikr
- Makarem Shirazi in collaboration with a group of writers, Nasser; Sample interpretation; Fourth edition, vol. 11, Tehran: Islamic Library, 1983
- Maarafat, Mohammad Hadi; Faran Immunity from Distortion; Translation (Mohammad Shahrani), First Edition, Qom: Islamic Propaganda Office, 1997
- Mashhadi, Sheikh Abu Abdullah; Al-Mazar Al-Kabir; Mohaqiq (Jawad Qayoumi Isfahani), C1, Bija: Nashqyum, Nashr Al Islami Foundation, 1998.
- Najarzadegan, Fathollah; The Infallibility of the Quran, 2008
- Nasih, aliahmad, Hosseini, fatemeh. 1396, History of the possibility of distorting the Qur'an period 8, Number 29, Page 139-155

Hindi, Alaa Al-Din Ali Al-Muttaqi Bin Husam Al-Din; Hoarding workers in the traditions of words and deeds; Part 1, Beirut: Al-Risala, 1989AD

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: اسفندیاری صدیقه، شایق محمدرضا، ابوئی محمدرضا، صیانت قرآن از تحریف ازمنظر محققان فریقین بر مدار آیه حفظ، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۳، شماره ۵۰، تابستان ۱۴۰۱، صفحات ۳۱-۴۶.